

## نگاه حزب عدالت و توسعه به همزیستی ادیان در ترکیه

دکتر مسعود غفاری<sup>۱</sup> مهدی لکزی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۶

### چکیده:

در هشتاد سال گذشته در ترکیه، قرائت رسمی دولتی، بر مبنای اصول و آموزه‌های سکولاریسم بوده است. پیروزی حزب عدالت و توسعه ترکیه در انتخابات نوامبر ۲۰۰۲ به عنوان حزبی با ریشه‌های اسلامی، پرسش‌های مهمی را درباره آینده سکولاریسم و نیز اسلام‌گرایی در این کشور به میان آورد. ویژگی‌های اصلی سکولاریسم ترکیه با گونه فرانسوی یا آمریکایی آن متفاوت است و قرائتی که از این مفهوم در ترکیه می‌شود، متفاوت از جداسازی دین و حکومت، مهار دین و حذف آن از سپهر عمومی را دنبال می‌کند. مناقشه اساسی در ترکیه درباره تعاریف سکولاریسم و آزادی دینی است، که خود ریشه در اصولی بنیادین - نقش دین و حکومت- دارد.

**واژگان کلیدی:** آزادی‌های دینی، سکولاریسم، همزیستی و مدارا، حزب عدالت و توسعه، ترکیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

- استادیار و عضو هیئت علمی، تربیت مدرس، دانشکده علوم سیاسی، تهران، ایران  
ghaffari@modares.ac.ir

- دانشجوی دکتری، اسلامی، دانشکده سیاسی، تهران مرکز، ایران  
mehdi\_lakzi@yahoo.com

## مقدمه:

در سال ۲۰۰۲، حزب عدالت و توسعه توانست با پیروزی در انتخابات، پارلمان ترکیه را در دست بگیرد؛ این حزب در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ نیز توانست پیروزی خود را تداوم ببخشد و قدرت را در ترکیه از آن خود بگرداند. کمالیست‌ها معمولاً به طور ضمنی حزب عدالت و توسعه را برای اینکه ضد سکولار است و دستورات عمل‌های پنهانی برای جایگزینی اسلام با سکولاریسم دارد، مورد انتقاد قرار می‌دهند. تا چه حد این نقد درست است؟ آیا عدالت و توسعه یک حزب اسلامی ضد سکولار است؟

در این مقاله استدلال می‌کنیم که حزب عدالت و توسعه از نوعی سکولاریسم دفاع می‌کند که با آنچه کمالیسم ایجاد کرده، متفاوت است و همین تفسیر از سکولاریسم منجر به همزیستی مسالمت‌آمیز با حامیان سکولاریسم در ترکیه شده است. این بحث، در مورد معنا و عملکرد درست خود سکولاریسم است. صرف نظر از گروه‌های حاشیه‌ای، اتفاق نظر در مورد سکولاریسم در ترکیه وجود دارد. بحث واقعی بین حمایت‌کنندگان از تفسیرهای مختلف در مورد سکولاریسم اتفاق می‌افتد.

## چارچوب نظری:

در این پژوهش با استفاده از نظر احمد کورو نظریه‌پرداز ترک دو معنی از سکولاریسم - سکولاریسم حداقلی و سکولاریسم حداکثری- را به بحث می‌گذاریم. این استدلال به فهم بهتر ما در مورد علت همزیستی حزب عدالت و توسعه با حامیان سکولاریسم در ترکیه کمک خواهد کرد. سکولاریسم یک مفهوم یکپارچه با یک معنی استاندارد نیست. بعلاوه درک‌های متعددی از سکولاریسم با پیش‌زمینه‌های هنجاری مجزا و رویه‌های ضمنی وجود دارد. سکولاریسم حداقلی به این معنی است که حکومت در امور ادیان مختلف دخالت نمی‌کند و اجازه حضور آنها را در عرصه عمومی می‌دهد. در آن سو سکولاریسم حداکثری، به این معنی است که حکومت به جهان بینی سکولار در قلمرو عمومی توجه دارد و قصد دارد دین را به قلمروی شخصی محدود کند. عملکرد

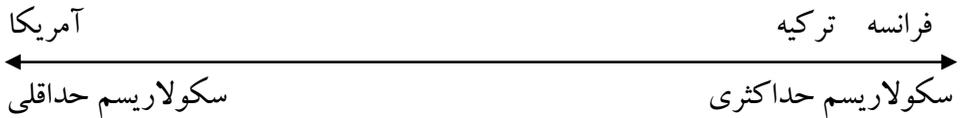
سکولاریسم در دولت‌های سکولار معمولاً بین این دو نوع ایده آل متفاوت است. آمریکا، فرانسه و ترکیه سه کشوری هستند که بر اساس قانون اساسی سکولار هستند؛ در حالی که قانون حکومت، هیچگونه ارجاع خاصی به دین خاصی ندارند. با این حال آنها رویه‌های متفاوتی به سوی دین دارند. روابط دین رسمی در آمریکا گرایش به سکولاریسم حداقلی را نشان می‌دهد در حالی که در ترکیه و فرانسه، حکومت گرایش به سکولاریسم حداکثری دارد.

به عنوان مثال، در آمریکا قابلیت نمایش دین بصورت رسمی در عرصه عمومی وجود دارد که در فرانسه و ترکیه وجود ندارد. (Debray, 1992, p.21-22) در آمریکا شعاری که در روی همه سکه‌ها و پول‌های چاپی می‌آید «ما به خدا توکل می‌کنیم» توسط بچه‌های مدرسه‌ای خوانده می‌شود؛ بسیاری از قسم‌های رسمی، شامل قسم خوردن رئیس جمهور، به طور عادی شامل عبارت زیر است «تا اینکه خدا به من کمک کند» و در این هنگام دست چپ را روی کتاب مقدس می‌گذارند؛ و جلسه دیوان عالی کشور با این دعا شروع می‌شود «خدا ایالات متحده و این دادگاه عالی را حفظ نماید».

مثال دیگر این است که این سه حکومت، سیاست متفاوتی در مورد دانش آموزان برای نمایش سمبل‌های دینی، مخصوصاً حجاب در مدارس عمومی دارند. شکل ۱ در زیر نشان می‌دهد که چگونه سیاست این حکومت‌ها در مورد این مسئله متفاوت است؛ در طول یک طیف بین دو «نوع ایده آل»، آمریکا به سکولاریسم حداقلی با قبول قابل رویت بودن سمبل‌های دینی دانش آموزان در مقابل عموم تمایل دارد. حکومت فرانسه معمولاً سکولاریسم حداکثری را بوسیله منع کردن نمایش سمبل‌های دینی توسط دانش آموزان تنها در مدارس عمومی نشان می‌دهد.

حکومت ترکیه به سکولاریسم حداکثری نزدیکتر است؛ از آنجایی که حجاب را در همه موسسات آموزشی، مدرسه یا دانشگاه عمومی یا خصوصی ممنوع می‌کند.

شکل ۱: طیف بین دو نوع ایده آل سکولاریسم



این گونه شناسی از سکولاریسم نه تنها برای آنالیز بین کشورها بلکه در داخل کشورها نیز مفید است. هاکان یاووز نویسنده ترک در این مورد به نظر «بی خو پارخ» اشاره می کند: «سکولاریسم وجوه مختلف دارد که دو وجه آن بسیار رایج اند. وجه رقیق تر آن، قائل به جدایی حکومت و دین است و اعتقاد دارد که حکومت نباید دینی را تحمیل، نهادینه یا رسماً تایید کند... و به طور کلی باید موضعی کاملاً بی تفاوت نسبت به دین داشته باشد. وجه غلیظ تر آن نیز در عین باور به جدایی سیاست و دین، مباحث و مشورت‌ها را صرفاً در قالب دلایل سکولار بر می تابد». (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۳۸) در ترکیه با وجود حاکم بودن سکولاریسم حداکثری، بحث و مجادله ادامه داری بر سر معنا و کارکرد صحیح سکولاریسم وجود دارد. این مجادله را می توان نزاع بین حمایت کنندگان از سکولاریسم حداکثری موجود و حامیان تغییر به سوی سکولاریسم حداقلی نامید. گروه اول را کمالیست‌ها تشکیل می دهند که شامل حزب جمهوریخواه خلق (Republican People's Party) "RPP" و ژنرال‌های ارتش است؛ در حالی که گروه دوم شامل احزاب جناح راستی مانند حزب عدالت و توسعه "JDP" (Justice and Development Party) است. برخی از محققان، در یک نوع طبقه بندی هنجاری، سکولاریسم حداکثری حکومت ترکیه را تحت عنوان «لائسیسم» و دومین نوع را تحت عنوان «سکولاریسم» تعریف می کنند. (Davison, 2003, p. 333-350)

## چارچوب تاریخی

موسس جمهوری ترکیه کمال آتاتورک (۱۹۳۸-۱۸۸۱) و همپیمانانش، سکولاریسم را به عنوان رکن اصلی حکومت جدید قرار دادند. آنها اصلاحاتی را نه تنها برای سکولاریزه کردن ساختار حکومت بلکه برای ساختار جامعه اجرا کردند؛ از جمله حذف مدارس مذهبی و منحصر کردن آموزش به مدارس و دانشگاه‌های حکومتی سکولار. سکولارسازی قانون اساسی فرایندی بود که در چند فاز صورت پذیرفت. اولین اقدام مهم در سال ۱۹۲۸ تحقق یافت که در آن تصریح «اسلام به مثابه دین دولت» از قانون اساسی ۱۹۲۴ حذف گردید. البته این اقدام‌ها به معنی ستیز با دین تفسیر نمی‌شد. آتاتورک و همفکرانش تلاش کردند تا ضمن کشیدن دین به عرصه خصوصی آن را با فرهنگ ترکی درهم آمیزند. در این راستا، برای نمونه بر استفاده از ترجمه ترکی قرآن و سایر متون دینی تاکید شد. (Azarian, 2011, p.77)

در طول دوره اول حکومت که تک حزبی بود (۱۹۵۰-۱۹۲۳)، حزب جمهوری خواه خلق با تشویق به محدود کردن دین به ضمیر افراد به عنوان یک مسئله شخصی مایل به سکولاریسم قاطعانه بود. با این حال، انتخابات چند حزبی ۱۹۵۰، بحثی را در مورد سکولاریسم باز کرد. حزب حاکم جدید (حزب دموکرات) آزادی‌های دینی بسیاری را در اجتماع ایجاد کرد. برای مثال، ممنوعیت اذان به زبان عربی را در مساجد حذف کرد. از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰، گروه‌های اسلام‌گرا از سه دیدگاه عمومی در مورد سکولاریسم دفاع می‌کردند:

دیدگاه لیبرال: طرفداران این دیدگاه قصد لیبرال کردن اعمال حکومت سکولار ترکیه را داشتند. احزاب جناح راست شامل حزب دموکرات (۱۹۶۰-۱۹۴۶)، حزب عدالت (۱۹۸۱-۱۹۶۱)، حزب مام میهن (۱۹۸۳) و حزب راه مستقیم (۱۹۸۳) از این موقعیت دفاع می‌کردند. یکی از این ایدئولوژیست‌ها علی فواد باش گیل (۱۹۶۷-۱۸۹۳) بود، کسی که نماینده حزب عدالت در مجلس و رئیس دانشکده حقوق دانشگاه استانبول بود.

براساس نظر باش گیل، دولت سکولار باید نقش یک عنصر بی طرف را در روابط مذهبی جامعه و حکومت داشته باشد.

دیدگاه زاهدانه: حرکت‌ها و جوامع اسلامی معمولاً گرایش دارند در قبال سکولاریسم سکوت کنند، ترجیح می‌دهند بر خدمات مذهبی تمرکز کنند مانند آموزش قرآن به جوانان و باز کردن خوابگاه‌ها برای دانش آموزان؛ آنها در رفتار زاهدانه خویش از سیاست اجتناب می‌کنند. یکی از تاثیرگذاران این گروه، حرکت سعید نوری بود. بدیع الزمان نوری (۱۹۶۰-۱۸۷۶) بنیانگذار حرکت نور و نویسنده مجموعه رسائل نور (تفسیری از قرآن) بر موقعیت زاهدانه تاکید می‌کرد: ۹۹ درصد اسلام در مورد اخلاقیات، پرستش، آخرت و پاکدامنی است. تنها یک درصد در مورد سیاست است. او همچنین اضافه کرد که «من پناه می‌برم به خدا از دست شیطان و سیاست». (مری ولد، ۱۳۸۹: ۵۶)

دیدگاه اسلام گرایان: اصلی‌ترین حرکت اسلام‌گراها در ترکیه تا اواخر دهه ۱۹۹۰ حرکت ملی‌گروش (دیدگاه ملی) بود که با نجم‌الدین اربکان آغاز شد. با وجود دیدگاه اسلامی، اربکان و پیروانش از نقد مستقیم سکولاریسم خودداری می‌کردند. آنها در سال ۱۹۷۰ حزب نظام ملی و در سال ۱۹۷۲ حزب سلامت ملی را تاسیس کردند. هر دو حزب ضد سکولار بودند و با کودتاهای نظامی در سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ منحل شدند. در ۱۹۸۳ اربکان حزب رفاه را تاسیس کرد. در انتخابات ملی ۱۹۹۵ حزب رفاه، ۲۱.۴ درصد آرا را بدست آورده و حزب حاکم گردید. اربکان در ۱۹۹۶ میلادی در ائتلاف با «حزب راه مستقیم»، نخست‌وزیر شد. حزب رفاه، مخالف عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بود و به همین سبب، یک سازمان بین‌المللی در بین هشت کشور مسلمان ایجاد کرد. پیام‌ها و شعارهای انتخاباتی حزب در سال‌های ۹۵-۱۹۹۴ بیشتر پیرامون مسائل اجتماعی و اقتصادی، مشکلات زندگی روزمره و فساد نخبگان حاکم بود. (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۳۴)

با کودتای نرم ۲۸ فوریه ۱۹۹۷، ائتلاف (رفاه-راه مستقیم) ساقط گردید و حزب رفاه توسط دادگاه عالی ترکیه منحل شد. کودتا، برای آموزش‌ها و اعمال اسلامی در ترکیه

خیلی مخرب بود. در آن دوره زمانی ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌ها را به شدت به افراد تحمیل می‌کردند، مدارس امام خطیب تعطیل شدند و آموزش قرآن به کودکان زیر ۱۲ سال غیر قانونی شد؛ ارتش افراد اسلامی را اخراج کرد. بعلاوه شرکت‌ها و موسسات مالی اسلام‌گرا با تبعیض‌های رسمی مواجه شدند. این فشارها، به تغییر دیدگاه گروه‌های اسلام‌گرا درباره عضویت در اتحادیه اروپا، دموکراسی، سکولاریسم منجر شد. حزب عدالت و توسعه بازیگر اصلی در این تغییر بود. (T.Koru:2006,p.147)

### تغییر دیدگاه مسلمانان در مورد سکولاریسم

پس از کودتای ۲۸ فوریه ۱۹۹۷، گروه‌های اسلام‌گرا فهمیدند که آزادی دینی باید اولویت اصلی آنان باشد. سیاستمداران اسلام‌گرا، نهضت‌ها و روشنفکران تمایل به دموکراسی و سکولاریسم حداقلی داشتند تا از فشارهای حکومت سکولار (حداکثری) محفوظ بمانند. این نتایج به همگرایی بین سه گروه گفته شده در بالا منجر شد: طرفداران دیدگاه زاهدانه و سیاستمداران اسلام‌گرا تصمیم به حمایت از سکولاریسم لیبرال گرفتند- آنچه ما آن را سکولاریسم حداقلی می‌نامیم. علی بولاچ، از متفکران تاثیرگذار اسلامی، که می‌توان وی را یکی از رهبران فکری حزب عدالت و توسعه دانست، در کتاب **مفاهیم و نظم‌های مدرن** که در دهه ۱۹۸۰ میلادی چاپ کرد آزادی، دموکراسی و پیشرفت را مفاهیمی عاریتی از غرب دانست که در جوامع اسلامی جایگاهی ندارند و بیگانه محسوب می‌شوند. افزون بر این او معتقد بود این مفاهیم، ذهن مسلمانان را آشفته کرده است. اما وی در دهه ۱۹۹۰ و مخصوصاً بعد از کودتای فوریه ۱۹۹۷ افکار گذشته خود را تقریباً کنار گذاشت و به جای آن تاکید کرد که برقراری لیبرال-دموکراسی واقعی در ترکیه هدفی است که اسلام‌گرایان باید دنبال کنند. او در همین راستا سکولارها و کمالیست‌ها را به دلیل عدم توجه کافی به شعارهای خودشان یعنی لیبرال-دموکراسی مورد انتقاد قرار داد. (قهرمانپور، ۱۳۸۶: ۳۴)

به گمان بولاچ، اساس دموکراسی مدرن نوعی شبه کثرت‌گرایی (پلورالیسم) سیاسی است. اما این کثرت‌گرایی پهنه‌هایی چون باورهای دینی یا فرهنگ‌ها را در نظر ندارد. وی بر آن است که رهیافت اسلام به دولت گذر از شبه کثرت‌گرایی دولت مدرن به کثرت‌گرایی واقعی اسلام را امکان‌پذیر می‌سازد. بنابراین باید از راه مذاکره به قرارداد اجتماعی تازه‌ای برسیم که کثرت‌گرایی را به عنوان یگانه عامل زیست مشترک عادلانه انسان‌ها تامین کند. (Bulac, 2001, p. 11-65)

به این ترتیب در دوران جدید مخالفت اسلام‌گرایان لیبرال با سکولارها و کمالیست‌ها نه در قالب تاکید بر اسلام‌گرایی و ظواهر اسلامی بلکه در قالب حقوق بشر، تکثرگرایی، دموکراسی و حاکمیت قانون صورت می‌گیرد. این روشنفکران و سیاستمداران اسلام‌گرای لیبرال برخلاف دهه ۱۹۸۰ از موضع دفاعی برون آمده و از موضع تهاجمی، سکولارها را به دلیل عمل نکردن به وعده‌های خود در مورد برقراری لیبرال-دموکراسی مورد انتقاد قرار می‌دهند. در امتداد همان خط، حرکت تاثیرگذار گولن پا به عرصه اجتماعی ترکیه گذاشت. این حرکت که توسط فتح ا... گولن آغاز شد، بر آموزش تمرکز می‌کرد و بیشتر از ۴۰۰ مدرسه در ۵۰ کشور متفاوت، بعلاوه شبکه‌های رسانه‌ای بین‌المللی ایجاد کرد. پیش از این، حرکت فوق مطابق با آموزش‌های نورسی از مسائل سیاسی از جمله بحث در باب سکولاریسم اجتناب می‌کرد. جنبش گولن، از اواسط دهه ۱۹۹۰ تلاش کرد تا یک شبکه گسترده از برخی اعضای سکولار دانشگاه‌ها، محافل تجاری، هنرمندان محبوب، روزنامه‌نگاران و رهبران مذهب علوی زیر چتر آرمان‌هایی همچون «گفتگو»، «مدارا»، «دموکراسی»، «آزادی» و «تربیت آناتولی» تشکیل دهد. تربیت آناتولی که به تربیت آنانت (Abant) مشهور شده است، هر ساله کارگاه‌های آموزشی درباره مشکلات جامعه ترکیه و چشم‌اندازهایی برای آینده برگزار می‌کند. با این حال در اواخر دهه ۱۹۹۰ که روزنامه‌نگارها و نویسندگان با حرکت گولن آشنا شدند، به سازماندهی کارگاه آنانت برای جلوگیری از دو قطبی شدن جامعه ترکیه دست زدند. اولین کارگاه در سال ۱۹۹۸ میلادی به اسلام و سکولاریسم اختصاص یافت. شرکت‌کنندگان شامل برخی از سرشناس‌ترین دین‌شناسان و روشنفکران اسلامی در ترکیه بودند؛ به مدت سه روز،

گروه تقریباً ۵۰ نفره‌ای از اندیشمندان، مفهوم دولت سکولار و سازگاری آن با اسلام را به بحث گذاشتند. در انتها، آنها توافق کردند تا اعلامیه مشترکی را به امضا رسانند که برخی نتایج مهم آن به شرح زیر است:

نخستین نتیجه اینکه آنها دین سالاری را رد کردند. شرکت‌کنندگان بر اهمیت استقلال و استدلال فردی در اسلام تأکید نموده و اعلام کردند: «هیچکس نمی‌تواند ادعای قدرت آسمانی در تفسیر دین نماید». دومین نتیجه‌گیری مهم شرکت‌کنندگان آبانیت، سازگاری اصول حاکمیت الهی و حاکمیت مردمی بود. آنها اعلام کردند: «البته خدا حاکم بر کل جهان است، اما این یک مفهوم متافیزیکی است که تضادی با ایده حق حاکمیت مردم ندارد که به جوامع انسانی اجازه می‌دهد تا بر سرنوشت خود حاکم باشند». (خیرخواهان، ۱۳۹۰: ۱۰۲) سومین استدلال در اعلامیه، پذیرش دولت سکولار بود که «نسبت به همه باورها و فلسفه‌ها بی‌طرف است». شرکت‌کنندگان اشاره کردند دولت «نهادی است که هیچ تقدس متافیزیکی یا سیاسی ندارد» و اسلام هیچ مشکلی با چنین هویت‌های سیاسی ندارد تا زمانی که آنها به حقوق و آزادی‌ها احترام می‌گذارند.

به این ترتیب «گردهمایی آبانیت» سازگاری اسلام با یک دولت سکولار بر اساس دموکراسی لیبرال را اعلام کرد. این گردهمایی نقطه عطفی محسوب می‌شد چرا که نه تنها شرکت‌کنندگان از متفکران بزرگ اسلامی بودند، بلکه سازمان دهندگان آن اعضای بزرگترین جامعه اسلامی ترکیه یعنی جنبش فتح الله گولن بودند. (T.Kuru:2006,p.150)

در همین راستا، نسل جوان جنبش دیدگاه ملی چارچوب ایدئولوژی خود را تغییر دادند. برخی از آنها در کارگاه‌های آبانیت در بحث‌هایی مانند سکولاریسم شرکت کردند. در سال ۲۰۰۰ سه رهبر از نسل جوان حرکت دیدگاه ملی- اردوغان، گل و آرنج - بر ایدئولوژی دموکراتیک و سکولارگرایانه تأکید کردند. به دنبال بسته شدن حزب رفاه، نیروهای پارلمانی این حزب، حزب فضیلت را تاسیس کردند. با وجود گرایش به عضویت در اتحادیه اروپا، دادگاه عالی این حزب را در سال ۲۰۰۱ منحل کرد، با این استدلال که

حزب فضیلت، از آزادی داشتن حجاب دفاع می‌کند و به همین دلیل ضد سکولار است. این مساله اختلاف بین بزرگان حرکت دیدگاه ملی به رهبری اربکان و نسل جوان به رهبری اردوغان را عمیق‌تر کرد. بدین ترتیب، نیروهای سنتی حزب سعادت را تاسیس کردند، در حالی که نسل جوان، حزب عدالت و توسعه را ایجاد نمودند. حزب سعادت بازگشتی دوباره به سوی سخن گفتن از مخالفت با اتحادیه اروپا داشت در حالیکه عدالت و توسعه یک گام فراتر برای دفاع از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا برداشت؛ یعنی حمایت از دموکراسی و سکولاریسم. در انتخابات ۳ نوامبر ۲۰۰۲، حزب سعادت با ۲/۵ درصد آرا به حاشیه رانده شد در حالیکه حزب عدالت و توسعه با ۳۴ درصد آرا حزب حاکم گردید. حزب عدالت و توسعه ائتلاف با حرکت دیدگاه ملی و سیاستمداران اسلامی را رد کرد. چارچوب قانونیش را تحت عنوان «دموکراسی محافظه‌کارانه» معرفی کرد و آن را از طریق نشریه رسمی خود بسط داد. کتاب «دموکراسی حزب عدالت و توسعه را تحت عنوان ایدئولوژی خویش که بر احساس مشترک، احتیاط و تغییر تدریجی تأکید دارد، معرفی کرد. حزب عدالت و توسعه همچنین بر وفاداری به اصول سکولاریسم در برنامه‌هایش تأکید دارد. سکولاریسم را به عنوان ضمانتی برای آزادی دین نشان می‌دهد و تفسیر و تحریف سکولاریسم را به عنوان دشمن دین رد می‌کند. برنامه حزب اضافه می‌کند که «استفاده کردن از دین برای سیاست، اقتصاد و تحت فشار قرار دادن مردمی که به صورت دیگر فکر می‌کنند و با دین متفاوتی زندگی می‌کنند، غیر قابل قبول است». حزب عدالت و توسعه سکولاریسم کمالیست‌ها را مستبدانه می‌خواند زیرا مانع از حضور آزاد دین در قلمرو عمومی می‌شود؛ سکولاریسم این حزب مدعی بی‌طرفی است و بر آن است که دولت باید فاصله خود با همه ادیان را به طور مساوی حفظ کند. (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۶۳)

براساس برنامه، حزب عدالت و توسعه دین را به عنوان مهمترین نهاد بشری و سکولاریسم را پیش‌نیازی برای دموکراسی و ضامنی برای آزادی دین و وجدان می‌شناسد؛ حزب با سوء استفاده از ارزش‌های مقدس دینی و قومی در راستای اهداف سیاسی مخالف است. (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۵) رهبران عدالت و توسعه با سبک و سنگین

کردن بین دو سیاست محافظه‌کارانه مواجهه شده‌اند. از یک طرف، مقررات حکومتی آنها را مجبور به نشان دادن وفاداری به قوانین می‌کند تا اینکه بازیگران قانونی و مشروع در ترکیه باشند. از طرف دیگر، هیئت موسسان حزب، از آنها می‌خواهد که مفاهیم ایجاد شده درباره سکولاریسم در ترکیه را دوباره تفسیر کنند.

### حزب عدالت و توسعه: سکولاریسم حداقلی و سکولاریسم حداکثری

حزب عدالت و توسعه و دیگر احزاب جناح راستی، که ۷۰ درصد آرا را نمایندگی می‌کنند، در مجموع حمایت ترک‌های متمایل به سکولاریسم حداقلی را دارند. اردوغان در بیان درکش از سکولاریسم به طور مکرر بر «حکومت بی‌طرف در مقابل تمام ادیان و عقاید» تاکید می‌کند. از نگاه وی، سکولاریسم لازمه دموکراسی است اما نباید حدود آن را تعیین کند. تلقی اردوغان از سکولاریسم تا حد زیادی به نظر سلیمان دمیرل شبیه است که معتقد بود نباید سکولاریسم را دشمن دین به حساب آورد: «حکومت می‌تواند سکولار باشد اما افراد می‌توانند نباشند» (T.Kuru, 2006, p.152).

اردوغان می‌گوید: «من قبل از هر چیز یک مسلمانم و به عنوان یک مسلمان می‌کوشم تا با الزامات دین سازگار باشم. من در برابر خداوندی که مرا آفریده مسئول هستم و سعی در ادای این مسئولیت دارم. در حال حاضر نیز سخت می‌کوشم تا دین را به عنوان امری خصوصی در زندگی سیاسی خود دخالت ندهم. یک حزب سیاسی نمی‌تواند دین دار باشد. دین به افراد تعلق دارد. در غیر این صورت از آن سوء استفاده خواهد شد و دین والاتر از آن است که مورد سوء استفاده یا بهره برداری قرار بگیرد». (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۱۶) اردوغان استفاده از دین را به عنوان ابزار سیاسی رد می‌کند. در گونه شناسی ما، وی از سکولاریسم حداکثری اجتناب می‌کند و در مورد سکولاریسم حداقلی صحبت می‌کند. او همچنین در ژانویه ۲۰۰۴ در یک کنفرانس مطبوعاتی در واشنگتن، بر تمایزش برای تفسیر مجدد سکولاریسم ترکیه به وسیله آنالیز مدل آمریکایی آن تاکید کرد.

دیگر سیاستمدار با نفوذ حزب عدالت و توسعه، بولنت آرچ، استدلال کرد که سکولاریسم باید در ترکیه در حالی بسیار لیبرال، با تاکید بر آزادی و حقوق دینی افراد، تفسیر مجدد شود. از دیدگاه وی این نوع جدید سکولاریسم، به این واقعیت که ترکیه محل الصاق دو تمدن است باید اهمیت قائل شود؛ در یک طرف بخش غربی است و در طرف دیگر اکثریت جمعیتش مسلمان هستند. آرچ معتقد است سکولاریسم در ترکیه باید این دوئل اجتماعی- فرهنگی را در نظر بگیرد. او تاکید می‌کند، تفسیری جدید و اجرای صحیح سکولاریسم در ترکیه، کمک شایانی به بحث سکولاریسم در سراسر جهان می‌کند. (T.Koru,2006,p.155) بولنت آرچ، که در سال ۲۰۰۶ ریاست پارلمان ترکیه را بر عهده داشت، ضمن انتقاد از شیوه اعمال سکولاریسم، برداشت مناقشه برانگیزتری از آن ارائه داد؛ وی گفته بود:

«مناقشات جاری نشأت گرفته از تفاسیر متفاوت از سکولاریسمی است که در ادوار مختلف با دامن زدن به مباحثی در سپهر عمومی به انحاء مختلف اعمال شده است. لازمه اعمال سکولاریسم، به عنوان سازوکاری برای صلح و آشتی اجتماعی، بی طرفی حکومت در برابر دین است. فرصت سازی برای آزادی بیان دینی و آزادی عبادات از وظایف اساسی سکولاریسم به شمار می‌آید. حکومت به عنوان نهاد مجری این وظایف، باید در برابر ادیان رفتار برابر داشته باشد. مشکل از چنین مرحله‌ای آغاز می‌شود. حکومت در حالی که می‌بایست حقوق افراد در اعمال باورهای دینی شان را تضمین کند؛ در عرصه عمومی باورها و بیانات را عملاً محدود می‌سازد. این کار را نیز به نام سکولاریسم انجام می‌دهد که خود تناقضی بزرگ در علم سیاست است. این تناقض سالیان دراز به صلح و آرامش درونی ترکیه زیان رسانده و منشا بروز مشکلاتی بی‌انتها بوده است. چنین تناقضی برخاسته از تفاوت در تفاسیر است که باید با یاری جمعی روشنفکران، سیاستمداران و دانشگاهیان بر طرف شود.» (Arinc,2003,p.3)

مشاور اردوغان، در حالی دیدگاه حزب عدالت و توسعه را در مورد سکولاریسم توضیح می‌داد، استدلال می‌کرد که برای حفظ بهتر آزادی دینی، نیاز است سکولاریسم از طریق

دموکراسی تقویت شود. اردوغان یکی دیگر از نظریه پردازان حزب عدالت و توسعه، استدلال می‌کند که به منظور محافظت از آزادی‌های دینی در ترکیه، سکولاریسم باید از چشم‌اندازی دموکراتیک مورد باز تعریف قرار بگیرد. به نظر او تعریف محدودی از سکولاریسم، آنطور که توسط کمالیست‌ها صورت می‌گیرد، می‌تواند به نوعی ایدئولوژی انحصارگرا، تمامیت خواه و ژاکوبینی تبدیل شده و به مناقشات اجتماعی دامن بزند. در نتیجه وی مدل آمریکایی سکولاریسم را به دلیل فقدان تعریف ایدئولوژیک و تأکید روی آزادی‌های مذهبی بر تعریف موجود در ترکیه ترجیح می‌دهد (Akdogan,2003,p. 105-132)

آرنج و بسیاری از سیاستمداران حزب عدالت و توسعه بدین ترتیب، به قصد انتقاد از قرائت ترک، به وجه آمریکایی سکولاریسم می‌پردازند. اعضای پارلمان عضو حزب عدالت و توسعه تأکید دارند که علاقه‌مند به وارد کردن مدل آمریکایی سکولاریسم نبودند. آنها خواستار تقلید از مدل آمریکایی براساس محتوی آن بودند - مخصوصاً حضور یک حکومت ایدئولوژیک و تأکید بر آزادی دینی- نه ساختارش. دموکرات‌های محافظه‌کار ترک، سکولاریسم آنگلو ساکسون و دموکراسی دین مدار مالزی را الگوهای نظری و عملی خود می‌دانند. (H.Somun,p.2012) دلیل اصلی که آنها تمایل به دریافت کامل مدل آمریکایی نداشتند، دیدگاه یکنواخت آنها در مورد مناسبات دین رسمی، مخصوصاً درباره مقام سازمان امور دیانت بود. این سیاستمداران ادعا می‌کنند که هماهنگی حکومتی در خدمات دینی از طریق سازمان دیانت برای حفظ خدمات اسلامی و اجتناب از اغتشاش ضروری است. یک مثال از این یکنواختی، پاسخ مهمت آیدین از حزب عدالت و توسعه به انتقاد از سازمان دیانت برای استخدام ۱۵۰۰۰ امام جمعه است. مهمت آیدین وزیر کشور در حمایت از تلاش‌های دینی می‌گوید که از ۷۵۹۴۱ مسجد در ترکیه ۲۲۳۴۴ کمبود امام دارند. در این مسجدهای خالی، افراد غیر شایسته ممکن است آموزش دینی را بصورت نامناسب ارائه دهند. او اضافه می‌کند که خدمات دینی صحیح، وظیفه حکومت است. (T.Koru, 2006,p.157)

رئیس جمهور سابق ترکیه، نجات سزر، که رئیس اسبق دادگاه قانون اساسی هم بود، اصرار داشت که اصول اساسی غیر قابل تغییر سکولاریسم در ترکیه تنها توسط دادگاه قانون اساسی قابل تفسیر است. موسسات دیگر شامل پارلمان ترکیه هیچ حقی برای تفسیر مجدد آن ندارند. وی به هر تلاش یا تمایل برای تفسیر مجدد سکولاریسم ترکیه به عنوان یک مشکل می‌نگرد. او محدوده دین را مشخص می‌کند: «دین تنها تعلق به مکان ویژه و مقدسش در ضمیر افراد دارد» (Sezer: 2004) با این حال او هیچ محدوده و محدودیتی را برای اقتدار حکومت بر ابراز دین توسط افراد مشخص نکرد.

مجادله بین حمایت کنندگان از سکولاریسم حداکثری و حداقلی در ترکیه می‌تواند در بحثی که ذکر شد در مورد افراد سکولار نیز مشخص شود. سیاستمداران جناح راستی از اوزال تا اردوغان ادعا می‌کنند که سکولاریسم یک رژیم قانونی و ویژگی حکومت است و نه جهان‌بینی مورد نیاز برای تمام افراد. اردوغان در سخنانی که می‌توان آن را متضمن باز تعریف وی از سکولاریسم دانست چنین می‌گوید: «سکولاریسم به عنوان ضامن اصلی صلح و دموکراسی اجتماعی، مفهومی دو وجهی است. نخستین وجه آن این است که ساختار حکومت نباید بر قوانین دینی استوار باشد. لازمه آن نیز وجود یک نظام حقوقی استاندارد، منسجم و یکپارچه است. وجه دوم سکولاریسم لزوم بی-طرفی حکومت است که باید، ضمن حفظ فاصله برابر با همه باورهای دینی، آزادی دین و عقیده افراد را تضمین کند. در ماده دوم قانون اساسی، در تعریف محتوای سکولاریسم، خاطر نشان شده که سکولاریسم به مفهوم بی‌خدایی نیست؛ و هر فرد حق دارد هر باور یا مذهبی را داشته باشد؛ در برگزاری آداب دینی خود آزاد باشد؛ و صرف نظر از دین خود، از حق یکسان در برابر قانون برخوردار باشد. این ویژگی‌ها، سکولاریسم را به اصل بنیانی و وحدت‌آفرین جمهوری مبدل ساخته است. باور من این است که ما می‌بایست با دقت از تبدیل مفاهیم وحدت بخش [سکولاریسم] به عوامل «نارضایتی اجتماعی» احتراز کنیم و از این روست که پاسداری از ذات و معنای این مفاهیم ضرورت می‌یابد» (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۵۵)

در کنار این، سیاست‌های نو- لیبرال اقتصادی اوزال، به ایجاد طبقه میانه‌ای که عامل نوعی «همسازی تاریخی» بین سکولاریسم و اسلام از سویی، و کمالیسم و دموکراسی از سوی دیگر بودند، یاری رسانده است. اصلاحات وی نظارت دولت بر اقتصاد را کاهش داد و طبقه جدیدی از پیمانکاران و بازرگانان را به وجود آورد. طبقه عمده‌ای از این بازرگانان که «بازرگانان آناتولیایی» نام داشتند دارای ریشه و منبع فکری اسلامی بودند. این گروه که متمایل به اقتصاد لیبرالی بودند خواهان اقتصاد بازار آزاد، کاهش کنترل دولت در امور اقتصادی و اجتماعی و آزادی مذهبی بودند. در دهه ۱۹۹۰ این گروه از حزب رفاه حمایت می‌نمود و در حال حاضر یکی از طرفداران حزب عدالت و توسعه می‌باشد.

## دو مجادله میان سکولاریسم حداقلی و حداکثری

### الف) مسئله حجاب

مسئله حجاب در ترکیه به یک نزاع بزرگ در دهه ۱۹۸۰ تبدیل شده بود. سکولارها حجاب را تهدیدی علیه اصول جمهوری می‌دانستند. بر اساس سیاست‌های حکومت، زنان در صورت استفاده از روسری اجازه ورود به دانشگاه‌ها و سایر اماکن دولتی را نداشتند. دانش آموزانی که روسری می‌پوشیدند توسط شورای آموزش عالی از دانشگاه‌ها اخراج می‌شدند. بر اساس یک بررسی، طرفداران ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌ها فقط ۱۶ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند در حالی که ۷۶ درصد مخالف ممنوعیت هستند. (مقایسه با فرانسه این موقعیت را مشخص می‌کند. در فرانسه ۶۹ درصد جمعیت از ممنوعیت حجاب در مدارس عمومی حمایت می‌کنند در حالی که فقط ۲۹ درصد مخالف آن هستند. (T.Kuru, 2006, p.159) این حمایت عمومی، سیاست‌های سکولاریسم حداکثری را در مقابل سبیل‌های دینی در فرانسه تثبیت می‌کند. دلایل این تفاوت بین دو کشور سه چیز است: اول، در فرانسه حجاب اسلامی سنبلی از اقلیت مهاجر مذهبی است و ممنوعیت آن با افزایش دیدگاه‌های ضد مهاجران مرتبط است. با این حال در ترکیه اسلام دین قریب به اتفاق اکثریت جامعه است. بعلاوه، در ترکیه ۶۴ درصد زنان

مقداری حجاب دارند. دوم، ممنوعیت در فرانسه فقط به مدارس عمومی محدود می-شود در حالی که این محدودیت در ترکیه به همه موسسات آموزشی می‌رسد و سوم، سطح دینداری در فرانسه و ترکیه همانطور که در جدول آمده متفاوت است:

جدول شماره ۱: سطح دینداری در جوامع فرانسه و ترکیه

اعتقاد به خدا (درصد)	وابستگی به یک دین (درصد)	مشارکت دینی یکبار در هفته (درصد)	
۶۰	۵۵	۱۰	فرانسه
۹۷	۹۷	۷۰	ترکیه

ممنوعیت سبیل‌های دینی در مدارس عمومی قابل درک و حتی در جامعه کمتر مذهبی فرانسه مطلوب است. جامعه ترکیه برعکس خیلی مذهبی است. خیلی سخت است که دین را به محدوده شخصی محدود کنند و در چنین جامعه مذهبی اجازه بدهند یک جهان‌بینی کاملاً سکولار، حاکم بر قلمروی عمومی باشد. بطور مختصر و مفید، یک سازگاری نسبی بین دینداری کم جامعه فرانسه و سکولاریسم حداکثری حاکم بر آن وجود دارد؛ در حالی که دینداری زیاد در جامعه ترکیه با سیاست‌هایی که تلاش می‌کند از حضور دین در قلمروی عمومی ممانعت کند در تناقض است.

حزب عدالت و توسعه از همان آغاز پیروزی انتخاباتی خود به شکل‌های گوناگونی برای لغو کامل یا جزئی قانون منع حجاب در مراکز آموزشی و ساختمان‌های عمومی و دولتی تلاش کرده است. از جمله نخستین پیشنهادهای حزب عدالت و توسعه در این زمینه محدود کردن ممنوعیت حجاب به دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و آزاد گذاشتن حجاب در دانشگاه‌های خصوصی بود. (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۶۵)

مسئله حجاب یک شمشیر دو لبه برای حزب عدالت و توسعه است. از یک طرف هیئت موسسان حزب، سیاست فعالی را برای حل این مشکل می‌خواهند. علاوه بر این، اکثریت پر قدرت اعضای پارلمان عضو حزب عدالت و توسعه، (شامل اردوغان و آرچ و گل)، همسران و دختران با حجاب دارند. دختران رجب طیب اردوغان به دلیل قانون منع حجاب در دانشگاه‌ها ناگزیر شدند برای تحصیلات دانشگاهی به ایالات متحده بروند. (The journal of Turkish Weekly, 2004)

از طرف دیگر، حزب عدالت و توسعه نمی‌تواند برای حل مشکل حجاب تلاش کند، زیرا دادگاه قانون اساسی این مسئله را به عنوان دلیلی برای بستن حزب رفاہ و تنها دلیل برای منحل کردن حزب فضیلت می‌داند.

#### ب) مدارس امام خطیب

مدارس امام خطیب، در چارچوب ماده ۴ قانون شماره ۴۳۰ وحدت آموزش و ماده ۳۲ قانون شماره ۱۷۳۹ آموزش ملی، بدوا توسط حکومت به منظور تربیت امامان مساجد پایه‌گذاری شد. (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۶۱) سکولارهای ستیزه‌جو نگران این مدارس بودند، زیرا نخبگان اسلام‌گرا را تربیت می‌کردند. آنها معتقد بودند که تغییر این مدارس از مدارس امام خطیب به مدارس منظم (قانونی)، قانون وحدت آموزش ۱۹۲۴ را نقض می‌کند که آموزش را یکپارچه و مدارس مذهبی را حذف کرد. پس از کودتای ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ میلادی، سکولارها دو سیاست را برای به حاشیه راندن این مدارس دنبال کردند: اول اجرای سیاست آموزش ۸ ساله که آموزش اجباری را از ۵ سال به ۸ سال افزایش می‌دهد. با اجرای این سیاست، پایه‌های ششم، هفتم و هشتم این مدارس بسته می‌شد، و علاوه بر آن تمام مدارس فنی و مدرسی که زبان خارجی را آموزش می‌دادند، بسته می‌شدند.

دوم، از طریق بازبینی سیستم ورود به دانشگاه، که تقریباً برای فارغ التحصیلان این مدارس ورود به دانشگاه را امکان‌ناپذیر می‌کرد، به جز ورود به دانشکده الهیات. هنگامی

که کودتای ۲۸ فوریه رخ داد، در سال تحصیلی ۱۹۹۶-۱۹۹۷ مدارس امام خطیب با ۵۱۱۵۰۲ دانش آموز، بیشترین تعداد دانش آموز را داشت. (نورالدین، ۱۳۸۳: ۲۲۱) اردوغان در مورد مسئله مدارس امام خطیب نسبت به مسئله حجاب خیلی فعال بود؛ بسیاری از سیاست مداران حزب عدالت و توسعه شامل اردوغان فارغ التحصیل این مدارس هستند. آنها به بسته شدن مدارس دوره متوسطه به عنوان یک مشکل نگاه نمی کردند و به آسانی آن را قبول کردند. ایشان بر ورود دوباره فارغ التحصیلان متوسطه این مدارس به دانشگاهها تمرکز کرده بودند. در ماه مه سال ۲۰۰۴، دولت حزب عدالت و توسعه به منظور لغو محدودیت‌های تحمیلی کودتای نظامی ۱۹۹۷ و به قصد بهبود و ارتقای جایگاه مدارس امام خطیب، از طریق گشودن راه فارغ التحصیلان آن به دانشگاه، قانونی در پارلمان تصویب کرد که واکنش شدیدی را میان سکولارهای ستیزه جو ایجاد کرد. تنها حامی حزب عدالت و توسعه دیگر حزب جناح راستی یعنی حزب راه راست بود. «رئیس جمهور سزر» با بیان تفسیرش درباره سکولاریسم حداکثری این قانون را وتو کرد. او استدلال کرد که اجازه دادن به فارغ التحصیلان مدارس امام خطیب برای ورود به دانشگاهها این اصل سکولاریسم «جدایی قلمروی زندگی اجتماعی، آموزش، خانواده، اقتصاد و قانون از قوانین دینی» را نقض می کند. تنها پیروزی حزب عدالت و توسعه این بود که در سال ۲۰۰۸ آزمون فرهنگ دینی به امتحان ورودی دبیرستان افزوده شد. (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۶۸)

### همزیستی حزب عدالت و توسعه با سکولاریسم در ترکیه

همانندی فرهنگی و سیاسی با بدنه اجتماع، کاپیتالیسم، جهانی شدن و اشتیاق ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا از مسائل تعیین کننده برای کمک به «حزب عدالت و توسعه» بود که در سال ۲۰۰۲ به قدرت برسد. (عطایی، ۱۳۷۸: ۱۰۷) رهبر حزب عدالت و توسعه، رجب طیب اردوغان، آنقدر زیرک بود که بفهمد اصلاحات مورد نظر اتحادیه اروپا، موسوم به معیارهای کپنهاگ، تحکیم دموکراسی همراه با کاهش قدرت ارتش و

سست شدن پایه‌های قدرت احزاب به شدت سکولار بوده است. از این‌رو، مهمترین هدف حزب عدالت و توسعه، تقدم جامعه مدنی بر دولت پادگانی است.

از دید رهبران حزب عدالت و توسعه، اتحادیه اروپا جایی است که در آن نهاد نظامی تحت مدیریت نهاد مدنی قرار می‌گیرد و در صورت پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، می‌توان برای همیشه ترکیه را مانند اروپای جدید از کودتا دور نگه داشت. (قهرمانپور، ۱۳۸۹: ۱۵۲) حزب عدالت و توسعه پس از به قدرت رسیدن، اعلام کرد که ترکیه در یک شرایط منحصر به فرد برای پیوند و ایجاد سازش بین اسلام، دموکراسی و سکولاریسم قرار دارد. این حزب به خاطر ریشه‌های اسلامی خود، از راه پیوستن به هنجارهای احزاب دموکرات مسیحی اروپا، قصد عرضه قرائتی نوین از یک هویت دموکراتیک و محافظه‌کار را دارد. اردوغان و اطرافیان وی به این نتیجه رسیدند که لازمه دموکراتیزاسیون و نهادینه سازی حقوق بشر کسب حمایت کامل بین‌المللی، به خصوص از سوی اتحادیه اروپایی است. شرط تدوام این حمایت نیز، استمرار سکولاریسم و حکومت دموکراتیک در ترکیه بوده است. موضع اتحادیه اروپایی که بهره‌گیری از اسلام در سیاست یا هرگونه اعمال شریعت را بر نمی‌تابد، اسلام‌گرایان ترک را واداشته تا زبان سکولار را برگزینند. به همین دلیل ایشان، دین را امری هم عمومی و هم خصوصی می‌دانند؛ و معتقد است نظام حکومتی باید فارغ از نفوذ دین باشد. از دیدگاه ایشان سکولاریسم امری مربوط به حکومت است و نمی‌توان از شهروندان انتظار سکولار بودن داشت. لحن حزب عدالت و توسعه شباهت فراوان با نظر رابرت آودی دارد که یک حکومت سکولار را بر مبنای اصولی سه گانه تعریف می‌کند.

نخست، اصل رواداری: دولت مسئولیت دارد تا از آزادی دینی شهروندان خود حفاظت کند؛ دوم، اصل فاصله برابر: انتظار از حکومت این است که با همه ادیان فاصله برابری تنظیم کند؛ و سوم، اصل بی‌طرفی: حکومت نباید در امور دینی دخالت کند و نیز نباید حامی هیچ دینی باشد. (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۶۰) حزب عدالت و توسعه با اذعان به عدم امکان استقرار حکومت اسلامی در آینده قابل پیش‌بینی، می‌کوشد با اتکا به ارزش‌هایی چون

دموکراسی، پلورالیسم، حقوق بشر، اتحادیه اروپا، و نظایر آنها کمالیسم را نقد کند و موانع موجود در آن را، از سر راه مومنان بردارد. در واقع همزیستی این حزب با سکولارهای ستیزه جو، به قرائت آنها از مفهوم سکولاریسم، که در بالا ذکر آن رفت، باز می‌گردد. قرائتی روادار از سکولاریسم، بدون اینکه درصدد حذف نهادها و هنجارهای دینی از سپهر عمومی باشد، با دیدگاه‌های متنوع دینی سازگار و همساز است و از سوی دیگر سکولاریسم شکیباً از ارزش‌های دینی برای قوام نظم اجتماعی و سیاسی موجود بهره می‌گیرد و در پی حذف هیچ قرائتی، چه دینی و چه غیر دینی، از آن نیست. سیاست مداران حزب عدالت و توسعه به این ترتیب، به قصد انتقاد از قرائت ترک (مهار دین)، به وجه آمریکایی سکولاریسم می‌پردازند. قرائتی که دغدغه آزاد سازی دین از قید حکومت را دارد.

### نتیجه‌گیری:

در این مقاله از گونه‌شناسی سکولاریسم حداکثری و حداقلی برای تحلیل تحول روابط دین- دولت در ترکیه استفاده کردیم. نظام سیاسی ترکیه گرایش به سکولاریسم حداکثری دارد. با این حال هنوز بحث میان طرفداران سکولاریسم حداکثری و حداقلی وجود دارد. این بحث ادامه خواهد داشت، زیرا به ناسازگاری بین عملکرد سکولارهای ستیزه جو و دینداری زیاد جامعه ترکیه بستگی دارد. تا زمانی که تغییری از سکولاریسم حداکثری به سوی سکولاریسم حداقلی رخ ندهد یا تا هنگامی که یک انحطاط در دینداری جامعه ترکیه به وجود نیاید این مجادله پایان نمی‌یابد. این تحلیل، جدایی و نزاع بین بازیگران دولتی در ترکیه و مخصوصاً در مسئله سکولاریسم را نشان داد. به طور تاریخی دو نفر از سه روسای جمهور ترکیه (سزر و اورن) به سکولاریسم حداکثری اعتقاد داشتند، در حالی که سومی (اوزال) به سکولاریسم حداقلی اعتقاد داشت. به طور مشابه، احزاب سیاسی (حزب عدالت و توسعه و حزب جمهوری خواه خلق) برداشت متفاوتی در مورد سکولاریسم داشتند که به طور ایدئولوژیک هم از آنچه در دولت وجود داشت و هم

مخالف آن بود دفاع می کردند. بعلاوه اعضای دادگاه عالی استیناف و مجلس در سه تصمیم مهم مرتبط به سکولاریسم، شدیداً دو قطبی شدند.

در حال حاضر، به سبب دیدگاه تک سویه و مقاومت کمالیست‌ها، حزب عدالت و توسعه در اصلاح سکولاریسم ترکیه موفق نبوده است. تنها مورد استثنا، بهبود حقوق دینی جوامع غیر مسلمان مانند احداث کلیساهای جدید و لغو نظارت دولت بر غیر مسلمانان است. از آنجایی که این اصلاحات برای پذیرش ترکیه توسط اتحادیه اروپا لازم است و بنابراین توسط بخشی از سکولارهای ستیزه‌جو حمایت می‌شد، حزب عدالت و توسعه توانست آن را انجام دهد. سیاستمداران حزب عدالت و توسعه امیدوار بودند تغییر در سکولاریسم ترکیه که توسط هیئت موسسان آن انتظار می‌رفت، از طریق عضویت در اتحادیه اروپا رخ دهد. با این وجود گزارش اتحادیه اروپا در مورد آزادی دینی در ترکیه و تصمیم دادگاه اروپایی حقوق بشر در مورد حجاب نشان داد که اتحادیه اروپا نقش مستقیمی در تغییر سکولاریسم حداکثری در ترکیه ندارد. درخواست ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا تنها می‌تواند نقش غیر مستقیمی را از طریق آزاد سازی سیاسی و دموکراسی بازی کند. حزب عدالت و توسعه به هم پیمانانی از سایر احزاب نیاز دارد تا نقش فعالی در تغییر شکل سکولاریسم ترکیه داشته باشد. هر چه که حزب عدالت و توسعه تمایل بیشتری به سکولاریسم حداقلی داشته باشد، بیشتر می‌تواند هم پیمانانی از جناح چپ و لیبرال برای تفسیر مجدد سکولاریسم در ترکیه پیدا کند. حزب عدالت و توسعه سنت احزاب راست‌گرا برای دفاع از گرایش ترکیه به سوی سکولاریسم حداقلی را قبول کرده است.

## منابع:

- انتخابی، نادر (۱۳۹۲)، دین، دولت و تجدد در ترکیه، تهران: نشر هرمس
- ساعی، علی (۱۳۸۷)، روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)، تهران: سمت
- عباس منوچهری و دیگران (۱۳۸۷)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۹)، دولت و جهانی شدن در خاورمیانه، تهران: مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۹)، جنبش‌های اسلامی معاصر، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت
- نورالدین، محمد (۱۳۸۳)، ترکیه جمهوری سرگردان، ترجمه سید حسین موسوی، تهران: مرکز پژوهش‌های خاورمیانه
- ولد، مری (۱۳۸۹)، اسلام در ترکیه (زندگینامه یک روشنفکر: بدیع‌الزمان سعید نورسی)، ترجمه فرزاد صیفی کاران، تهران: نشر احسان
- یاووز، هاکان (۱۳۸۹)، سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشرنی

## مقالات

- خیرخواهان، جعفر (۱۳۹۰)، ببرهای آناتولی؛ همزیستی اسلام ترکی بانظام بازار آزاد: موردکاوی جنبش فتح‌الله گولن، مجله چشم انداز ایران، شماره ۶۷

- عطایی، فرهاد (۱۳۷۸)، نگرشی جدید در سیاست منطقه‌ای ترکیه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۹

منابع انگلیسی:

- Arince,B (2003)**vatan daily**,September 29

-Akdogan,Y (2003)**Muhafazakari Democracy**, Ankara ,Alfa Basim Yayin

-Azarian,Reza (2011) **Nationalism in Turkey: Response to a Historical Necessity**, International Journal of Humanities and Social Science, September 2011, Vol. 1, No. 12, pp.72-82.

-Bulac, Ali (2001) **Religion, State, and Democracy**, Istanbul: Zaman Kitap

-Davison, Andrew (2003)**Turkey, a Secular State? The Challenge of Description**, The South Atlantic

-Debary, Regis (1992)**Contretemps: In praise of lost ideals** Paris: Gallimard

- H.somun, (2012)**Malaysia as a Model for Turkey or Both a Model for Other Countries"**, Sunday Zaman, 14 February.

-T.Koru,Ahmet (2006)**Reinterpretation of Secularism in Turkey: The Case of the Justice and Development Party**, in: Published in the Emergence of a New Turkey: Democracy and the AK Party. Salt Lake City: University of Utah Press

-Sezer,D (2004)**Do not Mention the Headscarf** Radical,  
November 25 ,At: [www.Radikal.com.tr](http://www.Radikal.com.tr)

-Erdogan's daughters studying in us to escape head craft  
ban,(2004), The journal of Turkish Weekly, 20 Oct

